

## تغییرات نگرشی معلمان مدارس ابتدایی پیرامون شیوه‌های انجام وظایف آموزشی از نگاه مدرسان دانشگاه فرهنگیان در سال تحصیلی ۹۵-۹۴

محمود منظری\* : عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان، پردیس حضرت رسول اکرم (ص)، اهواز، اهواز، ایران.

**چکیده:** هدف از انجام پژوهش حاضر، بررسی تغییرات نگرشی معلمان مدارس ابتدایی پیرامون شیوه‌های انجام وظایف آموزشی خویش بوده است. روش پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه مدرسان دانشگاه فرهنگیان کشور می‌باشد، که تعداد ۸۶ نفر از آنان با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته بود. تحلیل داده‌ها به کمک نرم افزار SPSS صورت گرفت. همچنین برای تحلیل فرضیه‌ها از آزمون T-Test تک گروهی، استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین میزان باور معلمان نسبت به شیوه‌های انجام وظایف آموزشی خویش با میانگین نظری جامعه، در زمینه‌های طراحی آموزشی عینی، روش‌های فعال تدریس و ارزشیابی توصیفی در سطح ۰/۰۱ تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج بدست آمده حاکی از این است که تغییرات نگرشی معلمان در طراحی آموزشی، روش‌های تدریس و ارزشیابی عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان، مفید و رو به رشد بوده است.

**واژگان کلیدی:** طراحی آموزشی، روش تدریس، ارزشیابی توصیفی.

\***نویسنده‌ی مسؤول:** عضو هیأت علمی دانشگاه فرهنگیان- پردیس حضرت رسول اکرم (ص) اهواز، اهواز، ایران.

(Email: Mahmood.Manzari@yahoo.com)

## مقدمه

معلمان مدارس ابتدایی در طول تاریخ آموزش و پرورش ایران برای انجام وظایف آموزشی خویش با مسائلی روبرو بوده‌اند. گاهی اوقات با وجود این مسائل، آنان توانسته‌اند وظایف خویش را، انجام دهند و در بعضی مواقع نیز معلمان را برای انجام وظایف خویش با دشواری‌های زیادی روبرو، بودند. در بروز مسائل گوناگون و پیدایش تغییر و تحولات در نظام اجتماعی و آموزشی، اگر چه معلمان توانستند، نظام آموزش و پرورش ایران را در خیلی موارد به سمت وسوی درست، هدایت نمایند، لیکن در برهه‌هایی از زمان نیز مانند دوره مغولان، آنان به تحمل رنج و زحمت فراوان افتادند (ضمیری، ۱۳۸۴). مطالعات انجام شده، نشان می‌دهند که عوامل متعددی در طول تاریخ در شیوه‌های انجام وظایف معلمان، تأثیرگذار بوده‌اند. به عنوان نمونه (الماسی، ۱۳۸۵)، به بهبود وظایف آموزشی معلمان در اثر تغییر نگرش آنان از طریق آشنایی با تئوری‌های یادگیری در نظر و عمل اشاره می‌کند. یارمحمدیان (۱۳۹۴)، درباره این موضوع اظهار داشته است که مقوله‌های فلسفی در تغییر شیوه‌های انجام وظایف معلمان مؤثر بوده است. عمادزاده ۱۳۸۵، هم عوامل کیفی را در تغییرات نگرشی روبه رشد معلمان در شیوه‌های انجام وظایف آموزشی آنان، اثرگذار دانسته است. هم‌چنین آقازاده (۱۳۹۴)، تحولات دوره معاصر مانند ترمیم آموزش ابتدایی، تغییر بنیادی نظام آموزش، پرورش و مهندسی اصلاحات آموزشی (ملک ۱۳۸۹)، گسترش نرخ آموزش ابتدایی (صافی ۱۳۸۷)، تأسیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی درسی و نوسازی و تجهیز مدارس را در تغییر نگرش معلمان پیرامون شیوه‌های انجام وظایف خویش، مؤثر می‌دانند. مریبان آموزش و پرورش، با مطالعات خویش در مورد فعالیت‌های قبل از تدریس معلمان، زمینه تغییرات شیوه طراحی آموزشی آنان را مشخص نموده‌اند. ملکی (۱۳۸۹)، خاطرنشان ساخته است معلمان به واسطه همین تغییرات نگرشی، باید در تهیه و تدوین طراحی آموزشی به عنوان یکی از وظایف مهم خویش، به باور حقیقی برسند. کیلیان (۱۳۸۶)، نیز در ارتباط با این تغییر نگرش، اظهار داشته که ساختن طرح درس در حال حاضر به عنوان یکی از فعالیت‌های عملکردی مهم معلمان، تلقی می‌شود که آنان باید

توجه لازم را به آن داشته باشند. هم‌چنین متخصصان علوم تربیتی با ایجاد باورهای جدید در نگرش معلمان، تلاش نموده‌اند راهکارهای علمی و عملی را برای بهبود فعالیت‌های آموزشی مدارس و ارتقاء شیوه‌های تدریس معلمان، سازماندهی نمایند. به عنوان نمونه (شعبانی، ۱۳۹۲)، بیان داشته است که معلمان باید به درک درستی از مفهوم الگو و فرآیند تدریس، دست پیدا کنند. یارمحمدیان (۱۳۹۴) نیز تأکید نموده است که معلمان باید بین تدریس و یادگیری در کلاس‌های درس، رابطه‌ای منطقی در نظر و عمل، برقرار نمایند. اندیشمندان تعلیم و تربیت دیگری نیز با بیان نظرات خویش، ضمن پرداختن به موضوع رشد، شیوه‌های ارزشیابی معلمان از عملکرد تحصیلی دانش آموزان، درباره‌ی موارد، تلاش‌هایی نموده‌اند که راهکارهایی را برای تقویت باورهای درست و به روز معلمان در مورد شیوه‌های انجام وظایف آموزشی آنان و عملیاتی کردن آن طرح‌ها، گوشزد نمایند. آهنجیان (۱۳۸۲)، بیان داشته است که معلمان باید به مقایسه‌ی روش‌های ارزشیابی تحصیلی سنتی و مدرن پردازند و محاسن و محدودیت‌های روش‌های مذکور را، بررسی نمایند. شعاری نژاد (۱۳۸۷)، با توجه به تغییرات نگرشی حاصل شده، نیز اظهار داشت که معلمان به پیروی از نظرات فلاسفه و روانشناسان از آزمون‌ها و معیارهای عینی در ارزشیابی خود از عملکرد تحصیلی دانش آموزان استفاده و موقیت آنان را مد نظر، قرار می‌دهند. با توجه به مطالب گفته شده هدف اصلی این پژوهش تعیین تغییرات نگرش معلمان مدارس ابتدایی پیرامون شیوه‌های انجام وظایف آموزشی آنان بود.

## مواد و روش‌ها

روش تحقیق این پژوهش توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. جامعه آماری در این پژوهش کلیه مدرسان دانشگاه فرهنگیان بود که با دوره‌های آموزشی آموزگاران مدارس ابتدایی در امر تدریس، همکاری داشتند. تعداد ۸۶ نفر از مدرسان از استان‌های اصفهان و خوزستان با توجه به مناطق برخوردار و غیر برخوردار از امکانات اجتماعی - آموزشی کشور به صورت تصادفی ساده بر اساس جدول کورجسی مورگان انتخاب شدند که ۲۸/۷۳ درصد از پردیس حضرت رسول اکرم (ص) اهواز، ۲۴/۱۴ درصد از پردیس حضرت فاطمه زهرا (س) اهواز، ۱۹/۵۳ درصد از پردیس شهید باهنر اصفهان و ۲۷/۶۰ درصد هم از

طرح شده نیز با تأکید بر اینکه مقدار  $T$  در سطح  $(\alpha = 0.01)$  معنادار بود می‌توان گفت شیوه‌های انجام وظایف آموزشی معلمان در طراحی آموزشی عینی، روش‌های تدریس فعال و ارزشیابی توصیفی در سطح متوسط به بالا قرار دارد. در ادامه اقدام به رتبه‌بندی دیدگاه مدرسان در خصوص تغییرات نگرشی معلمان پیرامون شیوه‌های انجام وظایف آموزشی در مؤلفه‌های طراحی آموزشی عینی، روش‌های تدریس فعال و ارزشیابی توصیفی گردید که نتایج آن در جدول شماره (۳) آمده است.

**جدول شماره ۳: آزمون فریدمن جهت اولویت‌بندی دیدگاه مدرسان در خصوص تغییرات نگرشی معلمان پیرامون شیوه‌های انجام وظایف آموزشی**

رتبه	متغیر	میانگین	میانگین رتبه
۱	روش‌های تدریس فعال	۲/۸۲۵	۲/۲۶
۲	طراحی آموزشی عینی	۲/۶۷۶	۱/۹۲
۳	ارزشیابی توصیفی	۲/۶۵۳	۱/۸۲

سطح معنی داری:  $\text{Sig.} = 0.008$

اولویت‌بندی دیدگاه مدرسان در خصوص تغییرات نگرشی معلمان پیرامون شیوه‌های انجام وظایف آموزشی به ترتیب عبارتند از: ۱- روش‌های تدریس فعال، ۲- طراحی آموزشی عینی، ۳- ارزشیابی توصیفی.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی تغییرات نگرشی معلمان مدارس ابتدایی، نسبت به شیوه‌های انجام وظایف آموزشی آنان از نگاه مدرسان دانشگاه فرهنگیان است. نتیجه بررسی باور معلمان مدارس ابتدایی در استفاده از طراحی آموزشی عینی، روش‌های تدریس فعال و ارزشیابی توصیفی در سطح معنی‌داری  $(\alpha = 0.01)$  نشان داد که نگرش معلمان نسبت به شیوه‌های انجام وظایف آموزشی خویش، تغییر کرده است. بر اساس یکی از یافته‌های این پژوهش، معلوم شد که معلمان مدارس ابتدایی به این باور رسیده‌اند که باید با انجام طراحی آموزشی، وارد کلاس درس شوند. چون این امر منجر به افزایش کیفیت در ایفای نقش و وظایف آنان، خواهد شد. نتیجه بدست آمده در زمینه طراحی آموزشی با مطالعات حائری زاده (۱۳۸۴) و آقازاده و فضلی (۱۳۸۹) هم‌سو و با مطالعه هرگنهان و السون (۱۳۹۴) و دیدگاه واتسون، همخوانی دارد. معلمان مدارس ابتدایی با این تغییر نگرش، نه تنها پذیرفته‌اند که باید از طراحی آموزشی عینی در انجام وظایف خویش استفاده نمایند، بلکه به این باور هم رسیده‌اند که طراحی آموزشی می‌تواند احتمال موفقیت شاگردان را در امر یادگیری، بالا ببرد.

پرديس حضرت فاطمه زهرا (س) اصفهان، از حجم نمونه را به خود اختصاص دادند. پرسشنامه محقق ساخته "شیوه‌های انجام وظایف معلمان"، در این پژوهش، دارای ۱۸ سؤال در یک طیف چهار درجه‌ای است که روایی آن توسط چند نفر از صاحب نظران علوم تربیتی، مورد ارزیابی قرار گرفت و برای تعیین پایایی آن از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که میزان آن برای کل پرسشنامه، ۰/۸۲ معین گردید. پرسشنامه مذکور توسط پژوهشگر بین آزمودنی‌ها در محل پردیس‌ها توزیع و پس از درج اطلاعات دموگرافیک و پاسخ به سؤالات توسط آنان، جمع‌آوری و تحلیل فرضیه‌ها با استفاده از آزمون  $T$ -Test انجام گرفت.

### یافته‌های پژوهش

**جدول شماره ۱: بررسی نرمال بودن توزیع داده‌ها**

متغیر	آماره کلموگروف اسمیرونف	سطح معنی داری
طراحی آموزشی عینی	۱/۳۵۰	۰/۰۵۲
روش‌های تدریس فعال	۰/۸۶۶	۰/۴۴۱
ارزشیابی توصیفی	۱/۱۳۱	۰/۱۵۵
نگرش (کلی)	۱/۰۹۰	۰/۱۸۵

با توجه به جدول بالا می‌بینیم که متغیرهای مورد بررسی دارای توزیع نرمال هستند زیرا تمامی آنها دارای سطوح معنی‌داری بالاتر از ۰/۰۵ هستند.

**جدول شماره ۲: آزمون تی‌تک نمونه‌ای در مورد دیدگاه مدرسان در خصوص تغییرات نگرشی معلمان پیرامون شیوه‌های انجام وظایف آموزشی**

متغیر	تعداد	میانگین تجربی	انحراف استاندارد	میانگین نظری	مقدار $T$	درجه آزادی	سطح معنی داری
طراحی آموزشی عینی	۸۶	۲/۶۷۶	۰/۴۷۴	۲/۵	۳/۴۵۱	۸۵	۰/۰۰۱
روش‌های تدریس فعال	۸۶	۲/۸۲۵	۰/۴۷۲	۲/۵	۶/۳۹۹	۸۵	۰/۰۰۰
ارزشیابی توصیفی	۸۶	۲/۶۵۳	۰/۵۷۵	۲/۵	۲/۴۷۵	۸۵	۰/۰۱۵
نگرش (کلی)	۸۶	۲/۷۲۵	۰/۳۹۱	۲/۵	۵/۳۳۱	۸۵	۰/۰۰۰

با توجه به داده‌های جدول فوق در تغییر نگرش معلمان به صورت کلی و با تأکید بر اینکه مقدار  $T$  در سطح  $(\alpha = 0.01)$  از نظر آماری معنادار است. لذا تفاوت معناداری بین میانگین نظری و میانگین تجربی وجود داشت و با توجه به اینکه میانگین تجربی در نگرش معلمان پیرامون شیوه‌های انجام وظایف آموزشی بیشتر از میانگین نظری  $(2/5)$  بود لذا می‌توان ادعا کرد که نگرش معلمان به صورت کلی پیرامون شیوه‌های انجام وظایف آموزشی، بیشتر از سطح متوسط ارزیابی شده است و می‌توان گفت شیوه‌های انجام وظایف آموزشی معلمان مدارس ابتدایی از دیدگاه مدرسان دانشگاه فرهنگیان تغییر کرده است. در رابطه با مؤلفه‌های

بطور کلی نتایج بدست آمده از این پژوهش در خصوص تغییرپذیری باورهای معلمان در مورد شیوه‌های انجام وظایف آنان بر اثر اندیشه‌های فلسفی با دیدگاه نلر (۱۳۸۸) و جانکینز (۱۳۷۸) و تغییر پذیری باورهای آنان بر اثراندیشه‌های روانشناسی با دیدگاه پارسا (۱۳۸۷)، عظیمی (۱۳۸۷) و سیف (۱۳۹۰) هم‌خوانی دارد.

## References

Aghazadeh, A 2015, *Comparative Education*, TehranSamt [Persian].

Aghazadeh, M, Fazli, R 2010, *Education Guidance in a few basic classes*, Tehran: Aeyiezheh [Persian].

Ahanchiyan, M 2003, *Education and Postmoderns of Condition*, Tehran: Tahoori [Persian].

Alipourmeshkati, M 2002, *One hundred Discussion as Teaching Religion*, Qom: Parsian [Persian].

Almasi, A. M 2006, *Islam and Iran History of Education*, Tehran: AmirKabir [Persian].

Amadzadeh, M 2006, *Education of Economic*, Isfahan: Jahade Daneshgahi [Persian].

Azimi, S 2008, *The Principles of General Psychology*, Tehran: Ashraghi [Persian].

Gutok, G.AL 2009, *Philosophical and Ideological Perspectives on Education*, Translated by Mohammad Jafar Pakseresht, Tehran Samt [Persian].

Ghorcheyan, N 2010, *Small Teaching Details*, Tehran: FrashenakhtiAndisheh [Persian].

Haerizadeh, kh 2005, *Effective Teachers of Characteristics*, Tehran: Ghatreh [Persian].

Hergenahhn, B.R , Olson, M.H 2015, *An Introduction to Theories of Learning*, Translated by Ali akbarsaif, Tehran: Dovran [Persian].

Jenkins, J 1999, *Teaching for tomorrow the changing role of teachers in the connected classroom*, Open Classroom Conference.

نقطه نظر فوق، ناظر بر این مطلب است که تغییر نگرش حاصل شده، به واسطه‌ی آشنایی معلمان با مباحث نظری آموزش و پرورش بوده است. لذا با توجه به این تغییر بوجود آمده در باور معلمان، چنانچه شرایط و بسترهای آموزشی برای آنان فراهم گردد، می‌توان در عمل نیز شاهد تحول در شیوه‌های طراحی آموزشی آنان بود. بر اساس یافته دیگر این پژوهش، مشخص گردید که معلمان مدارس ابتدایی باور دارند که در ایجاد یادگیری باید از روش‌های فعال تدریس استفاده نمایند. این یافته با مطالعات مهرداد (۱۳۸۸)، علی پور مشکاتی (۱۳۸۱)، جانکینز (۱۳۷۸) و گوتهک (۱۳۸۸) هم‌سویی دارد. معلمان با اخذ دانش تعلیم و تربیت و کسب روش‌ها و مهارت‌های تدریس در مراکز تربیت معلم و دانشگاه فرهنگیان، خود به فردی صاحب نظر و خودگردان، تبدیل شده‌اند. آنان رابطه تدریس خویش را با سایر حیطه‌های معرفت‌شناسی می‌شناسند و خود را بتدریج واجد صلاحیت معلمی می‌دانند. به این ترتیب آنان پذیرفته‌اند که بهترین سبک تدریس آن است که معلم بتواند از طریق روش تدریس فعال، معلومات خویش را در اختیار دانش آموزان قرار دهد. با بدست آمدن این نتیجه می‌توان گفت که معلمان مدارس ابتدایی به این باور رسیده‌اند که نه تنها استفاده از روش‌های فعال تدریس در کلاس درس، موجب ارتقاء کیفی شیوه‌های انجام وظایف آنان شده است، بلکه با این روش‌ها، آنها امیدوار شده‌اند که با عملیاتی شدن روش‌های فعال تدریس، یادگیری شاگردان وضعیت بهتری، پیدا کند.

هم‌چنین در این پژوهش آشکار شد که معلمان مدارس ابتدایی به این باور رسیده‌اند که بهتر است یادگیری‌های دانش آموزان با روش توصیفی مورد ارزیابی قرار گیرد. نتیجه بدست آمده از ارزشیابی عملکرد تحصیل دانش آموزان، مطالعات قورچیان (۱۳۸۹) و میرزا بیگی (۱۳۸۷) را تأیید می‌کند. نتیجه تغییر نگرش معلمان در این زمینه نیز با عقاید هربرت اسپنسر (شعاری نژاد، ۱۳۸۷)، هم‌خوانی دارد. معلمان مدارس ابتدایی با این تغییر نگرش، نه تنها پذیرفته‌اند که ارزشیابی توصیفی، ملاک مناسبی برای انجام وظایف پایانی آنها در کلاس درس است، بلکه آنها به این باور رسیده‌اند که این نوع ارزشیابی نیز می‌تواند در تشخیص و اتخاذ تصمیمات مناسب آموزشی و پیشبرد فرآیند آموزشی، به آنان کمک نماید. با توجه به تغییر بوجود آمده در نگرش معلمان، می‌توان با اتخاذ تدابیری مناسب، ضمن برداشتن موانع اجرایی فعالیت‌های آموزشی، در عمل نیز شاهد تحولات کیفی در عملکرد آنان، باشیم.

- Parsa, M. 2008, *Learning of Psychology*, Tehran: Payam Noor Publication [Persian].
- Saif, A. K 2011, *Educational psychology*, Tehran: Agah [Persian].
- Safei, A 2008, *Organization and Education laws in Iran*, Tehran: Samt [Persian].
- Shabani, H 2013, *Education Skills*, Tehran: Samt [Persian].
- Sharinezhad, A. K 2008, *Educational of Philosophy*, Tehran: Amir kabir [Persian].
- Vakiliyan, M 2007, *Teaching methods and techniques*, Hamedan Islamic Azad University Publication [Persian].
- Yarmohammadian, M.H 2015, *The Principles of Lesson Planning*, Tehran: Yadvarehketab [Persian].
- Zamiri, M.A 2005, *Islam and Iran History of Education*, Tehran: Savalan Publication [Persian].
- Krejcie, R.V, Morgan, D. W 1970. Determining sample size for research activities. *Educational and Psychological Measurement*, No.30, Pp.607-610.
- Malek, H 2010, *History of Education in Iran*, Tehran: Mahdi [Persian].
- Maleki, H 2010, *Curriculum Basics*, Tehran: Samt [Persian].
- Mehrdad, H 2009, *Teaching Art*, Tehran: Ravan [Persian].
- Mirzabaigi, A 2008, *Curriculum planing and lesson plans*, Tehran: Yastaroon [Persian].
- Nasiri, A.k 2010, *The Principles and Educational of Philosophy*, Tehran: Avay e Noor [Persian].
- Neler, G.F 2009, *Introduction to the Educational of Philosophy*, Translated by Friedon Bazargan and etc, Tehran: Samt [Persian].

## A Study of Teachers' Attitudinal Changes in Elementary School toward Educational Responsibilities in 2014-2015 from the Viewpoints of Instructors in Farhangian University

Mahmaood Manzari<sup>1,\*</sup>

<sup>1:</sup> Faculty Member, Department of Educational Science, Farhangian University Ahvaz, Ahvaz, Iran.

**Abstract:** The present research, conducted in a descriptive-survey framework, aimed to examine the changes in attitudes of teachers in primary school towards the educational responsibilities. The population included all instructors in Farhangian University, among whom a total number of 86 applicants were randomly selected. The data were gathered through a researcher-made questionnaire and analyzed using one-sample t-test. Results showed that there existed a significant relationship between teachers' attitudes towards their educational responsibilities and those of theoretical mean for concrete instructional design, up-to-date teaching methods and descriptive evaluation ( $p=0.01$ ). Findings, in addition, showed that attitudinal changes in teachers could enhance the quality of teaching in elementary schools provided that the educational management is satisfactorily accompanied.

**Keywords :** Instructional Design, Teaching Methodology, Descriptive Evaluation.

**\*Corresponding author:** Faculty Member, Department of Educational Science, Farhangian University Ahvaz, Ahvaz, Iran.

**Email:** Mahmood.Manzari@yahoo.com